

کاربست قاعده تفسیری «حجیت جملات مستقل قرآن» بر مبنای تقابل یا تعامل سیاق و روایات ذیل آیات فضایل

زهره بابااحمدی میلانی^{۱*}، نانسی ساکی^۲، فاطمه سادات مرتضوی^۳

- ۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
- ۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

چکیده

مراد از قاعده تفسیری «حجیت جمله‌های مستقل آیات»، اعتبار مضمون جملات منقطع از سیاق پس از انفصال از آیات در فضای خارج از آن‌هاست. سیاق و روایات، به‌ویژه روایات سبب نزول، دو گزینه مهم در تفسیر آیات هستند که گاه مؤید و گاه معارض همدیگرند. بیشترین اصطکاک فکری در تعارض با سیاق معتبر با اسباب نزول‌های دارای شرایط اعتبار، میان فریقین در مباحث کلامی است؛ خصوصاً ذیل آیات فضایل. اهل سنت ضمن پذیرش این روایات، بر یکپارچگی آیات تأکید دارند و آن‌ها را در سیاق قبل و بعد تفسیر می‌کنند، اما از میان شیعه، برخی در تقابل سیاق با روایات معتبر، دست از سیاق کشیده و روایات معتبر را ملاک می‌دانند. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه دست یافته که آن دسته از آیات فضایی که صریحاً به ولایت و فضایل اهل بیت (ع) اشاره دارند، مانند آیه ولایت، سیاق و روایات سبب نزولشان با هم در تعارض‌اند، و از آنجا که قرینه لفظی (روایات) بر قرینه لبی (سیاق) مقدم است، روایات سبب نزول، مصداق انحصاری این آیات را اهل بیت (ع) می‌دانند، پس آن‌ها در خارج از سیاق به عنوان یک فراز مستقل عمل می‌کنند. اما دسته‌ای دیگر که تلویحاً به فضایل اهل بیت (ع) اشاره دارند مانند آیه «هل الذکر»، در سطح تنزیلی، روایات سبب نزول و سیاق با هم در تعامل‌اند و قابل تعمیم بر دیگران‌اند، اما اگر آن‌ها در سطح تأویلی تفسیر شوند، روایات سبب نزولشان با سیاق در تقابل‌اند و مصداق انحصاری آیات، اهل بیت (ع) اند، پس این آیات ضمن معناداری در سیاق قبل و بعد (سطح تنزیلی)، در خارج از سیاق آیه (سطح تأویلی) به طور مستقل معنادارند، و یک فراز مستقل به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: اسباب نزول، روایات، سیاق، فریقین، فضایل، فرازهای مستقل

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

قرآن به رغم داشتن یک نظم و پیوستگی ویژه، برخی فرازهای آن استقلال معنایی دارند؛ یعنی در فهم مراد الهی از آیات، به ویژه برای به دست آوردن نظریه قرآن در یک مسئله خاص، که تفسیر موضوعی متکفل آن است، می‌توان فرازهای گوناگون آیات را مستقل از قبل و بعد آن در نظر گرفت. در مواردی، این فرازها مستقل از مجموعه خود، معنایی را به غیر از آنچه با لحاظ پیوستگی جملات اطراف خود، معنا می‌دهد، می‌رسانند (محمّدزاده، ۱۳۹۹: ۳۶). به دلیل اهمیت این مسئله، به ویژه در تفسیر موضوعی، این نوشتار سعی دارد، کاربست این قاعده را در آیات فضایل اهل بیت علیهم السلام با توجه به تقابل یا تعامل سیاق و اسباب نزول بررسی کند.

با توجه به روایات و سبب نزول‌های موجود، آیات فضایل از مهم‌ترین دلایل قرآنی، در خصوص اثبات ولایت و برتری اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌شوند. از میان آیات فضایل، دسته‌ای از آیات به طور مستقیم به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره دارند و بعضاً ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) را به طور مستقیم ثابت می‌کنند. مصداق انحصاری این آیات، اهل بیت علیهم السلام هستند؛ مانند آیه ولایت، آیه تبلیغ، آیه اکمال، آیه مودت، آیات سوره دهر. این آیات از بقیه مشهورترند. دسته‌ای دیگر از آیات به طور غیرمستقیم به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره دارند و در کنار مصداق تنزیلی، مصداق حقیقی و باطنی این آیات، اهل بیت علیهم السلام هستند.

این آیات در طول تاریخ همواره معرکه آراء فریقین بوده است و از جهات مختلفی مورد بررسی قرار گرفتند. یکی از این جهات که مورد پژوهش کنونی است، حجیت استقلال معنایی آیات فضایل با مبنای تقابل یا تعامل سیاق و روایات اسباب نزول است. سیاق و اسباب نزول دو قاعده مهم در فهم و تفسیر آیات قرآنی هستند. نقش سیاق به عنوان یکی از اصول و قواعد مهم در فهم و تفسیر آیات قرآن، مسلم و پذیرفته شده است؛ از سویی روایات، خصوصاً روایات سبب نزول نیز، به درک و فهم بهتر آیه کمک می‌کند.

روایات سبب نزول، رابطه‌ای دو سویه با سیاق آیات دارند؛ بدین صورت که سیاق می‌تواند معیاری در تأیید یا رد روایات سبب نزول باشد و در مقابل، سبب نزول نیز از جمله قرائنی است که به برقراری یا عدم برقراری سیاق حکم می‌کند. به هنگام تعارض این دو قرینه، اصالت با قرینه‌ای است که قطعیت آن ثابت گردد (مظفر، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۹-۷۱). بر اساس آنچه گذشت، پژوهش حاضر تلاش دارد به بررسی هر دو دسته از آیات مورد اشاره و تقابل یا تعامل سیاق و بررسی آن‌ها به عنوان فراز مستقل بپردازد.

۲-۱- سؤالات پژوهش

- ۱- در مواجهه با تعارض بین سیاق آیات و روایات سبب نزول، ذیل آیات فضایل کدام یک مقدم است.
- ۲- آیات فضایل اهل بیت (ع)، در دو سطح تنزیلی و تأویلی چگونه قابل تفسیر هستند؟
- ۳- تفاوت رویکرد مفسران شیعه و اهل سنت در تفسیر آیات فضایل با توجه به تعامل یا تقابل سیاق و روایات سبب نزول چیست؟

۳-۱- پیشینه پژوهش

در رابطه با فرازهای مستقل قرآن، مقالاتی با عناوین مختلف نگاشته شده است: اخوان مقدم در مقاله‌ای با عنوان «معناداری بخشی از آیه یا آیات، هم در سیاق هم خارج از سیاق» (۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۶۴)، به بررسی حجیت استقلالی آیات به طور کلی در خارج از سیاق پرداخته است. در مقاله دیگری، غروی و آل ابراهیم با عنوان «بررسی تفسیری آیه تبلیغ بانی بر ارزیابی دیدگاه ناسازگاری سیاقی» (۱۴۰۱: ۴۷-۶۶)، ضمن تحلیل وجوه اثبات یا انکار معترضه بودن آیه تبلیغ، به اثبات معترضه بودن آن، همچنین به تحلیل وجوه انکار یا اثبات مناسبت آیه تبلیغ با قبل و بعد آن و با توجه به روایات اهل بیت (ع) به اثبات دیدگاه ناسازگاری سیاقی می‌پردازند.

علی راد محمد خطیبی نیز، در مقاله‌ای با عنوان «ادله ادبی دلالت فراسیاقی قرآن» (۱۳۹۴: ۷-۲۵) به بررسی اصول و ضوابط تفسیری، در سایه جداسازی و تقطیع گزاره‌های قرآنی پرداخته است.

در مواردی نیز در پژوهش‌ها به بررسی حجیت فرازهای مستقل با استناد به تفاسیر خاص پرداخته شده است. تجری، میبدی و احمدی، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی استناد به حجیت استقلال معنایی فرازهای آیات قرآنی در تفاسیر المیزان و نمونه» (۱۳۹۹: ۳۱۱-۳۳۰)، به بررسی قاعده حجیت فرازهای مستقل و ذکر نمونه‌هایی در دو تفسیر نمونه و المیزان پرداخته‌اند. یا در مواردی، کاربست قاعده را به صورت موردی در آیه‌ای بررسی کرده‌اند.

شهیدی و محمدزاده در مقاله‌ای با عنوان «حجیت مفاد فرازهای مستقل قرآن؛ رهیافت‌ها و زمینه‌ها (مطالعه موردی، آیه ۱۸۹ بقره)»، (۱۳۹۹: ۷۷-۹۸)، به طور مفصل به بررسی و تحلیل سبب نزول‌های متعددی که برای آیه نقل شده، پرداخته و به ناسازگاری سیاقی اشاره کرده‌اند. برخی نیز در خلال مباحث تفسیری، اشاره به نظریه فرازهای مستقل داشته‌اند.

در مقاله دیگری با عنوان «مبانی تفسیر موضوعی با تأکید بر «تفسیر المیزان»» (کریمی، ۱۳۹۱: ۴۱-۶۰)، به بررسی ضوابط و معیارهای حجیت فرازهای مستقل پرداخته شده است. در آثار منتشر شده، یا به بررسی حجیت فرازهای مستقل، به طور کلی پرداخته شده یا مطالعه موردی انجام شده است؛ مثل آیه ۱۸۹ سوره بقره و ...، یا اصل موضوع از دیدگاه تفاسیر خاصی بررسی شده است، یا بررسی یک آیه فضایل مانند تبلیغ با تأکید بر سیاق است؛ در صورتیکه در این پژوهش به طور خاص به حجیت بودن آیات فضایل به عنوان فراز مستقل با تأکید بر تعامل یا تقابل سیاق و سبب نزول پرداخته شده است:

در آیاتی که به طور مستقیم به مسأله ولایت اشاره دارند، اصلاً شرایط سیاق محقق نیست و آیات در سیاق قبل و بعد نیستند، سیاق در تقابل با روایات سبب نزول است و

روایات سبب نزول، مقدم بر سیاق هستند و به طور مستقل به عنوان یک فراز مستقل حساب می‌شوند.

در حالت دوم، آیاتی که به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره دارند، در سطح تنزیلی می‌توانند در سیاق قبل و بعد باشند، اسباب نزول و سیاق با هم تقابل ندارند و ضمن معناداری در سیاق قبل و بعد می‌توانند به عنوان جمله مستقل لحاظ شوند؛ اما اگر در سطح تأویلی، این آیات را تفسیر کنیم، مصداق اتم این آیات حضرات معصومین علیهم السلام هستند و روایات سبب نزول در تقابل با سیاق خواهد بود.

۲- مفاهیم نظری پژوهش

۲-۱- فراز مستقل

از این قاعده، با تعبیر مختلفی همچون «استقلال فرازهای قرآنی»؛ «دلالت آیات بر معانی فراسیاقی» و «معناداری آیات خارج از سیاق» یاد می‌شود. مراد از «فرازهای مستقل»، جمله‌ها و پاره‌های معنادار و کاملی هستند که گاه بخشی از یک آیه را شامل می‌شوند؛ گاه یک آیه و گاه چند آیه مرتبط با هم را که می‌توانند افزون بر مفادی که در ارتباط با پیوندهای مختلف دارند، نگاهی مستقل را نیز پذیرا باشند» (اسعدی، ۱۳۸۶: ۱۵). به تعبیری دیگر مراد از قاعده تفسیری «حجیت مفاد جمله‌های مستقل آیات»، اعتبار مضمون جملات منقطع و استقلال یافته از سیاق پس از انفصال از آیات در فضای خارج از آن‌ها است و کاربست این قاعده به شرطی منطقی است که معنای جمله برش‌یافته از سیاق با عقل و شرع، منافاتی نداشته باشد (محمدزاده، ۱۳۹۹: ۳۶).

۲-۲- سیاق و کارکردهای آن

واژه سیاق، مصدر فعل «ساق، یسوق»، اصل آن «سواق» بوده و بر اساس قواعد اعلال به دلیل مکسور بودن «سین»، «واو» به «یاء» قلب شده است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲: ۴۲۴). در لغت به معنای حرکت دادن و راندن است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۲۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۲۷۱).

سیدمحمدباقر صدر در تعریفش از سیاق نوشته است: «مقصود ما از سیاق، هرگونه دلیل‌های دیگری است که به لفظ و عبارتی که می‌خواهیم آن را بفهمیم، پیوند خورده است، خواه از مقوله الفاظ باشند، مانند کلماتی که با عبارتی که می‌خواهیم معنای آن را بفهمیم یک کلام به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند، خواه قرینه حالی باشند، مانند فضا و احوال و شرایطی که کلام را احاطه کرده‌اند و در موضوع و مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشنگری دارند» (صدر، ۱۴۲۹، ج ۱: ۱۰۶-۱۰۹). در اصطلاح، سیاق، نوعی ویژگی برای کلمه یا جمله است که بر اثر همراه بودن آن با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر پدید می‌آید (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۲۶ و ۱۲۷).

یکی از مهمترین مباحث درباره سیاق، توجه به کارکردها و عرصه‌های نقش آفرینی آن در تفسیر قرآن کریم است.

مهم‌ترین کارکردهای سیاق عبارتند از:

۱. نقش سیاق در شرح لغت؛ ۲. سیاق و کاربرد آن در توسعه و ضیق معنای آن؛ ۳. سیاق و تعیین جمله؛ ۴. ترکیب آیات قرآن با نگاه به سیاق؛ ۵. بیان ترکیب نزول آیات به وسیله سیاق؛ ۶. نقل سبب نزول و تصحیح آن با سیاق؛ ۷. تعیین مکی بودن یا مدنی بودن آیات با سیاق؛ ۸. نقد احادیث تفسیری به وسیله سیاق؛ ۹. بیان معانی حروف با سیاق؛ ۱۰. تعیین شرح ضمیر به وسیله سیاق؛ ۱۱. بیان محذوفات به وسیله سیاق؛ ۱۲. نقش سیاق در تعیین مصداق کلمه؛ ۱۳. سیاق و ترجیح و تعیین یکی از قراءات (ن.ک: ربانی، ۱۳۸۰: ۳۰).

۳- بررسی فرازهای مستقل قرآن، ذیل آیات فضایل

در بررسی فرازهای مستقل با اصل آیه یا مجموعه آیات، دو فرض متصور است:

- ۱- منافات ظهور یک فراز، با ظهور کل یا مجموعه آیات: این فرض بدین معناست که فراز یا بخش مورد بحث، یک معنا را القاء کند و کل آیه یک معنای دیگری را، که کاملاً متناقض‌اند.

۲- هماهنگ بودن ظهور یک فراز با ظهور مجموعه: این فرض بدین معناست که ظهور فراز موردنظر، با ظهور حاصل از مجموعه در یک جهت بوده و تعارضی نداشته باشد (اخوان مقدم ۱۳۹۴: ۱۴۲ و ۱۴۳).

در بررسی آیات فضایل، آیاتی که دارای فرازهای مستقل هستند، دو گونه‌اند:

حالت اول: یا این فرازها در سیاق قبل و بعد معنا دارند و در خارج از سیاق آیه نیز، معنای مستقل دارند و مصداق اتم و اکمل این آیات، ائمه معصومین علیهم السلام هستند.

حالت دوم: این آیات در سیاق آیات قبل و بعد نیستند، ولی خارج از سیاق، دلالت مستقل دارند.

۳-۱- استقلال فرازهای قرآنی در عین تعلق به سیاق

از آنجا که قرآن برای مردم نازل شده، زبان و بیانش نیز برای مردم و مطابق با اصول عقلانی و عرفی محاوره است. یکی از این اصول، توجه به سیاق در فهم ظهور و معنای کلام است که رعایت آن در تفسیر قرآن ضرورت دارد. با این حال، اگر جمله‌ای در معنایی خارج از سیاق ظهور داشته باشد و آن معنا با سیاق نامتناسب و بی ارتباط نباشد، سیاق صارف آن ظهور نیست و ظهور آن جمله را تغییر نمی‌دهد (بابایی، ۱۳۹۴: ۱۲۷ و ۱۳۰).

در بررسی آیات فضایل مشاهده می‌شود برخی آیات فضائل که به طور غیر مستقیم به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره دارند، هم در سیاق قبل و بعد آیات هستند و هم به طور مجزا مستقل هستند.

مانند آیات: ﴿أَهْلَ الذُّكْرِ﴾، ﴿لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾، ﴿الصَّادِقِينَ﴾، و ﴿وَأَتُوا الْبُيُوتَ﴾.

اینک به بررسی این آیات می‌پردازیم.

۳-۱-۱- آیات اهل الذکر

در آیه ۴۳ سوره نحل و آیه ۷ سوره انبیاء به مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. مصداق «اهل ذکر»، در سطح تنزیل و مورد نزول یا در سطح تأویل و توسعه مورد نزول از دیدگاه فریقین باید بررسی شود.

با توجه به معنای ظاهری و مورد نزول آیه، بیشتر علمای اهل سنت مانند حوی (۱۴۲۴، ج ۶: ۲۹۴)، زحیلی (۱۴۲۲، ج ۲: ۱۲۶۴)، نسفی (۱۴۱۶، ج ۲: ۴۱۴)، فخررازی (۱۴۲۰، ج ۲۰: ۲۱۱)، بیضاوی (۱۴۱۸، ج ۳: ۲۲۷)، سید قطب (۱۴۲۵، ج ۴: ۲۱۷۲) و ماوردی (بی تا، ج ۳: ۱۸۹)، مراد از «اهل ذکر» را «اهل کتاب» یا «اهل تورات» می دانند و دلیل این قول را سیاق آیات و مکی بودن آن می دانند. برخی مانند فخررازی به این نظر پایبند هستند که مورد، به سبب نزول اختصاص می یابد و نباید آن را تعمیم داد (۱۴۲۰، ج ۲۰: ۲۱۲)، همچنین ابن کثیر مصداق را عام تر نقل می کند و آن را مطلق اهل علم از امت های مختلف می داند (۱۴۱۹، ج ۴: ۴۹۲) و اهل کتاب را تنها یکی از مصادیق آن می داند.

لکن برخی از اهل سنت نیز با در نظر گرفتن معنای تأویلی و توسعه مورد نزول، با الغای خصوصیت مورد نزول به موارد دیگر تطبیق و به شمولیت آن حکم می دهند. نظام الدین نیشابوری می نویسد: «برخی از اصولیان گفتند: این آیه شاهی است بر جایز بودن تقلید مجتهد از مجتهد دیگری در اموری که برای او مشتبه است» (نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۴: ۲۶۴).

قرطبی و آلوسی نیز به طور خاص تر مصداق اهل ذکر را «اهل القرآن» می دانند. بر اساس این قول، امکان اینکه اهل ذکر: «اهل القرآن» را بر اهل البیت علیهم السلام که مصداق اتم و اکمل آن هستند، تطبیق دهیم وجود دارد؛ اما نه در سطح تنزیل، بلکه در سطح توسعه مورد نزول. رجوع امت به اهل قرآن، برای دریافت معارف، از باب رجوع جاهل به عالم است و اهل بیت علیهم السلام، بنا به مدارک فراوان از جمله حدیث ثقلین مصداق اتم اهل قرآن هستند، که رجوع امت به آنان در اولویت قرار دارد (نजारادگان، ۱۳۸۸: ۳۵). برخی قرآن پژوهان شیعه نیز، در تعیین مصداق «اهل الذکر» بر اساس معنای تنزیلی و ظاهری آیه و همانند اهل سنت تفسیر کردند؛ «اهل کتاب»، «اهل قرآن» و «اهل علم» (طوسی، بی تا، ج ۶: ۳۸۵، طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۳۷۴؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۲۵۹). برخی دیگر با نقل روایاتی، مصداق «اهل الذکر» را اهل بیت علیهم السلام می دانند (فراوات کوفی، ۱۴۱۰: ۲۳۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۶۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۹۹).

در جمع بین دیدگاه تنزیلی و تأویلی، یعنی جمع سیاق با روایات، می‌توان به نظر علامه طباطبایی اکتفاء کرد: «آیه شریفه ارشاد به یکی از اصول عقلایی و احکام عام عقلی است و آن عبارت است از وجوب رجوع جاهل در هر فنی به عالم در آن فن و به همین جهت معلوم است که این دستور، دستور تعبدی نبوده و امرش هم امر مولوی نیست که بخواهد بدون ملاک عقلی به جاهل دستور دهد که به عالم مراجعه کن نه به غیر او» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۲۵۹) و باید گفت، اگرچه ممکن است «اهل الذکر» در سیاق آیه، اهل کتاب باشند و روایاتی در تعامل با سیاق است؛ اما، با توجه به قاعده جری و تطبیق و تأویل آیات معنای رجوع جاهل به عالم در معنای کلی‌تر برای آیه در نظر گرفت و فارغ از بحث سیاق آیات به طور مستقل «اهل ذکر»، عالمان باشند و مصداق اتم و اکمل آن طبق روایات اهل بیت علیهم السلام هستند. بنابراین، آیه اهل ذکر، علاوه بر اینکه در سیاق معنا دار است در خارج از سیاق نیز معنادار است.

۳-۱-۲- آیه ۷۹ سوره واقعه

نمونه دیگر، آیه ۷۹ سوره واقعه است: «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمَطَهَّرُونَ» که در میان آیات توصیف کننده قرآن نازل شده است. فریقین با توجه به دو واژه «مسّ» و «تطهیر»، آیه را هم در سطح تنزیلی و هم در سطح تأویلی تفسیر کردند، منتها در تعیین مصادیق اختلاف است. با توجه به مرجع ضمیر در «لَا يَمْسُهُ»، آیه یا اشاره به قرآنی دارد که در لوح محفوظ است یا قرآنی که امروزه در دست ماست (ماوردی، بی‌تا، ج ۵: ۴۶۴) و در هر دو صورت تفاسیر مختلفی دارد.

از دیدگاه لغویان، «مسّ» به معنای برخورد با یک شیء است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۲۷۱؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۵۷). با توجه به سطح تنزیلی، معنای ظاهری و نیز سیاق قبل و بعد آیه، مراد از طهارت، طهارت ظاهری است و مراد از قرآن، مصحفی است که امروزه در دست ماست و آن را لمس نمی‌کنند مگر مؤمنان، پاکان از شرک؛ پاکان از گناهان و خطاها؛ پاکان از حدث و نجاست (ماوردی، بی‌تا، ج ۵: ۴۶۴).

اما رأی اکثریت مفسران از ظاهر آیه، این است: «از این آیه استدلال شده که زن حائض، یا شخص جنب و نجس نباید قرآن را لمس کند» (طوسی، بی تا، ج ۹: ۵۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۲۲۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۹۸؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۶: ۲۴۵). برخی مفسران نیز بر این معنا تأکید کردند و نوشتند مراد مس با دست است و مس به معنای رسیدن به سطح یک چیز به سطح چیز دیگر است، بدون اینکه وارد چیزی شود که در زیر سطح وجود دارد (میدانی، ۱۳۳۶، ج ۸: ۵۰۷). برخی نیز بر معنای تنزیلی تأکید کردند، معنای آیه را مس ظاهری می دانند، نجفی می نویسد: صدر و ذیل آیه مس کتاب در بیان عظمت و اوصاف قرآن است و برگشت ضمیر به کتاب مکنون تناسبی با سیاق آیه ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۶۲۷). بیان آملی به نوعی می تواند پاسخ دیدگاه نجفی و تأیید دیدگاه تأویلی باشد: «در آیه مس کتاب شواهدی وجود دارد که مراد از مس طهارت معنوی است. ثبوت قرآن در لوح محفوظ نیز از شرافت و عظمت قرآن است» (آملی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۴۷).

برخی دیگر از مفسران آیه را در سطح تأویلی و در فضایی خارج از سیاق تفسیر کردند و نوشتند مراد قرآنی است که در لوح محفوظ و در آسمان است و مراد از مس طهارت باطنی و معنوی است. قرآن را لمس نمی کند، مگر مطهران از گناه که ملائکه هستند (طوسی، بی تا، ج ۹: ۵۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۲۱۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۹۸؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۹).

برخی دیگر از مفسران در فضایی خارج از سیاق، با تأکید بر طهارت باطنی، مصداق انحصاری مطهران را ائمه معصومین علیهم السلام می خوانند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۸۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۸: ۲۹۹؛ قرشی، ۱۳۹۱، ج ۸: ۳۵۵؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۴۱۷). طباطبایی می نویسد: «سیاق آیه شاهد خوبی برای اثبات طهارت باطنی است؛ به این بیان که کلام در سیاق بزرگداشت خود قرآن است و تجلیل قرآن به این نیست که تماس بدن بدون وضو حرام باشد، بلکه تجلیل قرآن بدان است که جز پاکان کسی به معارف آن عالم نباشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۲۳۸). باتوجه به اینکه لفظ «مکنون» در مورد قرآن به کار رفته است، بیشتر مفسران مراد از قرآن را، قرآنی می دانند که در لوح محفوظ است و با

توجه به این مطلب مراد از طهارت نیز طهارت باطنی است (طوسی، بی تا، ج ۲: ۵۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۴۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۲۲۸).

در جمع بین دو دیدگاه می توان گفت «مسّ» در آیه اطلاق دارد؛ هم مسّ ظاهری و برخورد جسمی را شامل می شود و با توجه به سیاق آیه مراد همین قرآن ظاهری است، و هم درک حقایق و معارف تفسیری قرآن، یعنی خارج از سیاق آیه مصداق انحصاری آیه، عده ای خاص از بشر که همان اهل بیت علیهم السلام می باشند و حقایق و معارف قرآنی را کاملاً درک می کنند و مقصود از جمله ﴿لَا يَمَسُّهُ﴾، اخبار از یک واقعیت خارجی است، نه این که جمله ناهیه و جعل حکم تکلیفی باشد (راد، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

۳-۱-۳- آیه ۱۸۹ سوره بقره

مورد بعدی فراز ﴿وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾ از آیه ۱۸۹ سوره بقره است که در بین احکام، مربوط به حج است. فریقین پیرامون اسباب نزول فراز یاد شده تشتت آراء داشته و به طور کلی دو رویکرد متفاوت دارند:

دیدگاه گروه اول: آیه را در بستر تاریخی نزول و طبق معنای ظاهری و مطابق با معنای حقیقی، تفسیر می کنند و روایات سبب نزولی را نقل می کنند که هم راستای با سیاق است و با سیاق، تعارض ندارد و به منظور مقابله با رفتار جاهلانه برخی اعراب در احکام حج نازل شده است، زمانی که به حج می رفتند، پس از بازگشت، از درب های خانه ها وارد نمی شدند، در پشت خانه شان سوراخی ایجاد می کردند که از آن وارد و خارج شوند، یا نردبانی می گذاشتند که از آن بالا و پایین بروند. اگر از اهل چادر نشینان بودند، از پشت خیمه وارد می شدند (ماوردی، بی تا، ج ۱: ۲۵۰؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۳۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱: ۳۸۶).

در مقابل، برخی از مفسران اهل سنت، خود به نقد روایات متعددی که در سبب نزول فراز مورد نظر آمده، پرداخته اند. برخی مثل قاسمی، سبب نزول های نقل شده را اصلاً سبب نزول نمی دانند و می نویسند: منظور از نازل شدن آیه در ارتباط با این حادثه، این است که آیه به این موضوع صدق داشت، نه اینکه دلیل نزول آن بوده است» (قاسمی،

۱۴۱۸، ج ۲: ۵۷). ابن عاشور نیز روایت سدی را نقل می‌کند [۱] و ضمن اشتباه دانستن حدیث سدی می‌نویسد: در صحیح بخاری چیزی نیامده که دلالت بر این داشته باشد که پیامبر خدا (ص) چنین دستوری داده باشد و بعید است که چنین کاری از ایشان صادر شده باشد و سیاق آیه نیز با این موضوع سازگار نیست (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲: ۱۹۵).

ابوحیان اندلسی نیز ضمن بیان حمل آیه به معنای حقیقی، به نقد سبب نزول نقد شده از سدی در تفسیر ابن جریر و ابن عطیه به همین مضمون می‌پردازد (۱۴۲۰، ج ۲: ۲۳۸).

دیدگاه گروه دوم: این دسته از مفسران علاوه بر معنای سیاقی، با در نظر گرفتن معانی تمثیلی یا عمومیت، آیه را به طور مستقل و خارج از بستر تاریخی نزول، تفسیر می‌کنند. صدیق خان حسینی از قول ابو عبیده فراز موردنظر را «مثل» بیان می‌کند (صدیق‌حسن‌خان، ۱۴۲۰، ج ۱: ۲۶۹). قرطبی می‌نویسد: «این آیه به عنوان تذکری از طرف خداوند آمده است که کارهای نیک را از راه درستشان انجام دهید و اشاره به ورود به خانه‌ها از درهایشان به عنوان مثالی برای این مفهوم استفاده شده است تا نشان دهد کارها باید از مسیری که خداوند دستور داده انجام شوند» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۳۴۶). افندی (۱۹۸۳، ج ۱: ۲۰۳)، بلاغی (بی‌تا، ج ۱: ۱۶۵)، طوفی (۱۴۲۶: ۸۵) و قمی (۱۳۶۸، ج ۲: ۲۶۰) نیز همین مضمون را در معنای کلی نقل می‌کنند. حوی نیز از قول نسفی علاوه بر مضمون قبلی از مفسران، عبارت «لا تعكسوا؛ نباید معکوس شوند» را اضافه می‌کند (حوی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۴۳۶).

اشاره مفسران به عمومیت و مثل بودن فراز موردنظر، آیه را از سیاق قبل و بعد خارج می‌کند و نشان از این است که به طور مستقل می‌تواند معنادار باشد. این گروه دو دسته روایات را نیز ذکر کردند:

۱- **مشخص کردن مصداق «بیوت» و «ابواب»:** در بسیاری از روایات بی‌آنکه اشاره‌ای به معنای ظاهری داشته باشد، مصداق «بیوت» و «ابواب» مشخص شده است: «مراد از بیوت خانه‌های علم است که به انبیاء امانت داده شده و درهای آن، جانشینان آنان هستند» و در احادیث منقول از حضرات معصومان علیهم‌السلام: «ما آن بیوتی هستیم که خدا به

آن امر کرده است.» مصداق بیوت، معصومان علیهم السلام هستند (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۷۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۶۰). برخی دیگر از روایات، مصداق باب را «آل محمد»، برخی نیز تنها «امام علی (ع)» می‌دانند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۷۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۶۰).

۲- انجام امور از راه‌های صحیح آن: بسیاری از مفسران به ذکر عمومیت آیه با استناد به روایات پرداختند؛ از جمله روایت مورد مشترک همه مفسران این است که انجام تمام امور باید از راه‌های صحیح آن صورت گیرد (بلاغی، بی تا، ج ۱: ۱۶۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۲۷).

در این دو دسته از روایاتی که ذکر شده، مفسران یا مصداق حقیقی آیات را بیان کردند و آن اهل بیت (ع) هستند، یا تفسیر آیه را به صورت عمومی بیان کردند که تمام امور باید از مجرای صحیح آن صورت بگیرد و بدیهی است انجام امور از راه صحیح آن، اجرای آن از طریق اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

این فراز از آیه، ضمن معناداری آن در سیاق قبل و بعد با توجه به معنای ظاهری، طبق این دو دسته از روایات امامیه در خارج از بستر تاریخی نزول نیز معنادار است و مصداق اتم، اکمل و حقیقی آن معصومان علیهم السلام هستند. بنابراین، به حجیت مفاد فراز موردنظر در خارج از بستر تاریخی نزول، می‌توان اشاره کرد.

۳-۱-۴- آیه صادقین

در آیه صادقین ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه / ۱۱۹)، عبارت ﴿كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾، یک بیان اطلاقی در قالب جمله امریه است که طبق قواعد اصول فقه دلالت وجوب داشته و مستلزم واجب الطاعه بودن صادقین است (فیاض، ۱۴۳۰، ج ۳: ۱۲) و در تعقیب آیه ۱۱۸ سوره توبه نازل شده که خدای متعال دستور به همراهی با صادقین می‌دهد. اما اینکه مصداق صادقین چه کسانی هستند، بین مفسران شیعه و اهل سنت اختلاف است.

مفسران اهل سنت با توجه به سیاق آیات قبل، قائل به عمومی بودن خطاب آیه هستند (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۷۱) و مراد از صادقین را به طور کلی مؤمنان و راستگویان (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۸۸؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۵۲۱) می‌دانند. شیعه با استناد به روایات اهل بیت علیهم السلام با تعبیری چون «إِيَّانَا عَنِّي» (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۸۰)، «آیه در مورد علی بن ابی طالب (ع) به طور خاص نازل شد» (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۱۷۴)، مصداق آیه را راستگویان حقیقی می‌دانند که مصداق اتم آن معصومان علیهم السلام هستند.

با اینکه دروزه در تفسیر الحدیث به تصریح می‌گوید: روایات سبب نزولی در مورد این آیه نداریم (۱۴۲۱، ج ۹: ۵۵۵)؛ اما در تفاسیر برخی دیگر از اهل سنت مانند ثعلبی در الکشف و البیان (۱۴۲۲، ج ۵: ۱۰۹) و بغوی در معالم التنزیل (۱۴۲۰، ج ۲: ۴۰۱)، همین تعبیر را آوردند و مصداق صادقان را به طور خاص، اهل بیت علیهم السلام می‌دانند.

از یک سو، بر اساس سیاق آیه و متن عمومی سوره توبه، صادقین به معنای گروهی از مؤمنان راستگو و صادق است که در مقابل منافقان قرار دارند. این تفسیر تأکید بیشتری بر یک ویژگی عمومی یعنی صداقت در میان مؤمنان دارد. از سوی دیگر، بر اساس اسباب نزول، صادقان به افراد خاص و مشخصی اشاره دارد، مانند پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام که به عنوان الگوهای کامل صداقت معرفی می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۴۰۳؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۷۹). لذا فراز ﴿كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ با توجه به سیاق قبل و بعد می‌تواند به طور عام مؤمنان باشد و فراز در سیاق قبل و بعد باشد و معنادار باشد و خارج از سیاق نیز با توجه به روایات اسباب نزول، مصداق اتم و اکمل آن اهل بیت علیهم السلام باشند.

۳-۲- استقلال فرازهای قرآنی بدون تعلق به سیاق

دسته‌ای از آیات فضایل که به طور مستقیم به ولایت و فضایل اهل بیت (ع) اشاره دارند، مانند آیه مودت، آیات ابتدایی سوره دهر، آیه ولایت، آیه تبلیغ و آیه اکمال که در سیاق قبل و بعد تفسیر بردار نیستند و به طور مستقل معنادارند که به شرح و بررسی این آیات می‌پردازیم:

۳-۲-۱- آیه مودت

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری/ ۲۳)

از جمله آیاتی است که به جایگاه ویژه اهل بیت پیامبر (ص) اشاره دارد و اجر رسالت پیامبر (ص) را مساوی با محبت اهل بیت علیهم السلام می‌داند و منزلت و مقام معنوی ایشان را می‌رساند. مفسران فریقین سبب نزول‌های متعددی نقل کردند، که مضمون همگی دال بر این است که مودت قریبی اجر رسالت پیغمبر (ص) است (طبری، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۵۲۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۶۴؛ ابوسعود، ۱۹۸۳، ج ۸: ۳۰؛ حقی برسوی، بی‌تا، ج ۸: ۳۱۰؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵: ۳۴).

اما اینکه منظور از ﴿الْقُرْبَى﴾ چه کسانی هستند، بین فریقین اختلاف نظر است. در منابع شیعی طبق روایات، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و دیگر امامان از ذریه امیرالمؤمنین (ع) هستند (نهادی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۴۷۷). مفسران اهل سنت درباره معنای ﴿الْقُرْبَى﴾ و تفسیر این آیه، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی از آن‌ها مانند مفسران شیعه، معتقدند که منظور از ﴿الْقُرْبَى﴾ همان اهل بیت پیامبر (ص) است (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۲۴؛ ابن کثیر ۱۴۱۹، ج ۷: ۱۸۳). اما برخی دیگر تفاسیر گسترده‌تری ارائه داده و ﴿الْقُرْبَى﴾ را به معنای خویشاوندان نزدیک‌تر به پیامبر دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۵۹۴، آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۳۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۹: ۳۳۴ و ۳۳۵؛ برخی دیگر منظور از ﴿الْقُرْبَى﴾ را کل قریش می‌دانند (طبری ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۵۲۵؛ سید قطب، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۱۵۴). برخی هم، با توجه به سیاق و مکی بودن سوره، روایت دال بر مدنی بودن آیه را نفی می‌کنند و در نتیجه مصادیق ﴿الْقُرْبَى﴾ که مراد فرزندان حضرت زهراست را از مصداق آیه خارج می‌کنند.

ابن کثیر روایتی را از ابن ابی حاتم نقل می‌کند که مراد از ﴿الْقُرْبَى﴾ «حضرت فاطمه (س) و فرزندانش است» سپس آن را نقد می‌کند: سند این روایت ضعیف و مبهم است و جز شیخی از شیعه به نام حسین الأشقر، کسی آن را نقل نکرده است. نزول آیه در مدینه بعید است؛ زیرا سیاق سوره مکی است و در آن زمان حضرت فاطمه (س) اصلاً

فرزندی نداشته است؛ زیرا تا بعد از بدر در سال دوم هجری هنوز با حضرت علی (ع) ازدواج نکرده بود (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷: ۱۸۵). قاسمی نیز در نقد روایاتی که ابن عباس دال بر مودت اهل بیت علیهم السلام نقل کرده دقیقاً مانند ابن کثیر همین نقد را آورده است (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۳۶۴). طنطاوی در تفسیر الوسیط (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۳: ۲۳۳۶) و حقی بروسوی در روح البیان (بی تا، ج ۸: ۳۱۱) نیز، به همین مطلب اشاره کرده‌اند. دروزه، بعد از نقل روایاتی در مورد مودت اهل بیت علیهم السلام می‌نویسد: اما از نظر مدنی بودن آیه، نکته قابل توجه این است که این آیه از نظر ساختار و موضوع، پیوند بسیار محکمی با آیه قبل از خود دارد. این نکته در مورد دو آیه بعدی نیز صادق است که در روایات ذکر شده است که آن‌ها نیز مانند این آیه، مدنی هستند. همچنین قابل توجه است که روایت نزول این آیه در مدینه به ابن عباس نسبت داده شده، کسی که روایات متعددی از او در تفسیر این آیه نقل شده است که آن را از خویشاوندان پیامبر خدا (ص) دور می‌کند. از جمله این روایات، حدیثی است که آن را بخاری و ترمذی صحیح دانسته‌اند و پوشیده نیست که در روایت نزول آن در مدینه، نوعی غرابت، تهافت و قصد تلفیق و تطبیق وجود دارد (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۴: ۴۶۰).

آلوسی با استناد به سیاق، آیات را مکی می‌داند و روایات دال بر مدنی بودن آیه را ساختگی می‌داند (۱۴۱۵، ج ۷: ۱۸۴). ثعالبی نیز می‌نویسد: آیه مودت در صدر اسلام در مکه نازل شده است (۱۴۱۸، ج ۵: ۱۵۷).

۳-۲-۱- نقد دیدگاه‌های اهل سنت

الف) در بین برخی سوره‌های مکی، تعدادی آیات مدنی و یا در بین سوره‌های مدنی، چند آیه مکی نیز به چشم می‌خورد؛ مفسران اهل سنت مانند شوکانی (۱۴۱۴، ج ۶: ۶۰۱) و آلوسی (۱۴۱۵، ج ۱۳: ۱۱) نقل کرده‌اند که در سوره شوری به جزء ۴ آیه آخر، تمام آیات سوره، مدنی است.

ب) برخلاف دیدگاه عده‌ای از مفسران اهل سنت که سعی در خروج مورد نزول آیه دارند، بسیاری از مفسران اهل سنت نیز در راستای دیدگاه شیعه معتقدند که وقتی آیه نازل شد از پیامبر (ص) سؤال پرسیدن مراد از ﴿الْقُزْبَى﴾ کیست؟ فرمودند: حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و فرزندان و حسنین علیهما السلام و فرزندان ایشان (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۷، ۱۶۶؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۹: ۳۳۵؛ سید قطب، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۱۵۴ و...). بنابراین، مصداق حقیقی ﴿الْقُزْبَى﴾ طبق اذعان روایات اهل سنت و همین‌طور روایات سبب نزول شیعه، فرزندان حضرت زهرا (س) است، زمانی که روایات سبب نزول در تقابل با سیاق قرار بگیرند، اصالت و تقدم با قرینه لفظی، یعنی روایات است.

۳-۲-۲- آیات سوره دهر

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا* عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا* يُؤْتُونَ بِالنَّدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا* وَ يَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكُونًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا﴾ (دهر / ۵-۸).

در این آیات از دیدگاه اهل سنت بحث عام بودن الفاظ با توجه به سیاق مطرح است و سخن از «ابرار» و ویژگی‌های آنهاست. در تعیین مصداق «ابرار» بین فریقین اختلاف است. دسته‌ای از مفسران اهل سنت، بدون ذکر دلیلی بر عمومیت لفظ اصرار دارند: «نیکوکاران یعنی مؤمنانی که در ایمان خالص و مطیع پروردگار خود باشند» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۹۵؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۶: ۱۶۴ و...). قرطبی می‌نویسد: «سخن درست این است که این آیه، درباره همه نیکان و نیکوکاران نازل شده و از همین رو به افراد خاصی اشاره ندارد» (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۹: ۱۲۵).

عده‌ای ضمن پذیرش سبب نزول آیات در مورد اهل بیت علیهم السلام، ملاک در تفسیر را عمومیت لفظ می‌دانند نه خصوص سبب. معتقدان به این دیدگاه، خود نیز دو دسته‌اند:

دسته‌ای بدون هیچگونه مناقشه‌ای، سبب نزول را در مورد اهل بیت علیهم السلام ذکر می‌کنند (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۳۹۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ج ۱۰: ۹۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۲۷۱).

دسته دیگر با اعتراف به نزول آیه ۵ سوره انسان: ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا﴾، در مورد اهل بیت علیهم السلام، ملاک در تفسیر را عمومیت لفظ ابرار می‌دانند و سعی می‌کنند آن را تنها منحصر به ایشان ندانند و استدلال عام بودن آیه را با ذکر دلایلی مطرح می‌کنند (سیدقطب، ۱۴۲۵، ج ۸: ۳۹۳-۳۹۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۲۴۳).

دروزه برای عمومیت لفظ آیات به سیاق و مکی بودن سوره اشاره می‌کند: «بسیاری از مفسران شیعه با قطع نظر از سیاق و اسلوب عام آیات، آیات را به علی (ع) و اولادش نسبت دادند، ولی با تمام احترامی که نسبت به امام علی و همسرش داریم، معتقدیم گرچه ممکن است عشق به نیکی و درستی در درون آن‌ها، ایشان را وادار کند که غذای خود را با وجود نیاز شدیدشان به فقرا، یتیمان، اسیران و بردگان اهدا کنند، اما اسلوب و مضمون آیات می‌رساند که سوره مکی است و وصف ابرار به صورت عام است (دروزه، ۱۴۲۹، ج ۶: ۱۰۷).

فخررازی برای اشاره به عمومیت لفظ، به عدم اطلاق لفظ جمع بر واحد اشاره می‌کند و می‌نویسد: «اولاً آیات مذکور به صیغه جمع آمده است، مانند: ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ﴾، ﴿يَخَافُونَ﴾ و ﴿يُطْعَمُونَ﴾؛ بنابراین، تخصیص آن به شخص واحد، نظم آیات را به هم می‌زند» (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۷۴۷). سید قطب نیز می‌نویسد: سیاق و عبارات به کار رفته در سوره دهر حاکی از نزول آن در مکه است؛ زیرا مفاد سوره یادآور عذاب الهی، نعمت‌های حسی و فرمان به پیامبر (ص) برای صبوری در برابر حکم پروردگار است (۱۴۱۵، ج ۸: ۳۹۳-۳۹۱).

در نقد دیدگاه علمای اهل سنت باید گفت:

اولاً؛ در واقع آیات فضایل و مناقب که سبب نزول خاصی دارند، از جمله آیات تاریخی هستند که مصداق عینی و خارجی آن فقط به اهل بیت علیهم السلام بر می‌گردد و قابل تعمیم به دیگران نیست و مصداق خاصی دارد، خاص به این معنا، تنها مصداق تاریخی آیه است (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

ثانیاً؛ دروزه، چنین تصور می‌کند که شیعیان به دلیل تعصب مذهبی، آیات مذکور را، مدنی فرض کرده‌اند تا مصداق آن را اهل بیت علیهم السلام قرار دهند، در حالیکه برخی از مفسران اهل سنت هم، سوره دهر را مدنی دانسته‌اند (محمودحجازی، ۱۴۱۳، ج ۲۹: ۱۳۸)؛ برخی نیز بر مدنی بودن سوره دهر ادعای اجماع نموده‌اند (زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۷۸۸) و برخی دیگر مدنی بودن سوره را صحیح‌تر می‌دانند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۲). معیار صحیح‌تر در تعیین سوره‌های مکی و مدنی روایتی منقول از ابن عباس است که به تعبیر معرفت، بیشتر علما آن را موثق می‌دانند. بر اساس این روایت سوره انسان از جمله سوره‌های مدنی است (معرفت، ۱۴۳۲: ۱۶۸).

ثالثاً؛ روایات متعددی در بسیاری از کتب اهل سنت وجود دارد که اثبات می‌کند، این آیه از قرآن کریم در شأن خاندان اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. بنابراین، این آیات در سیاق قبل و بعد معنادار نیست و تنها مصداق حقیقی این آیات اهل بیت علیهم السلام‌اند.

۳-۲-۳- آیه ولایت

﴿أَتَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾

آیه ولایت، یکی از مهم‌ترین آیات اختلافی میان شیعه و سنی است. در واقع مهم‌ترین مسئله اختلافی بر سر معنای "ولایت" است. شیعیان "ولی" را به معنی اولی به تصرف می‌دانند، اهل سنت برای خروج معنای ولی از «اولی به تصرف» و کمرنگ کردن فضایل امام علی (ع) آیه را در سیاق قبل و بعد تفسیر می‌کنند و بر پیوستگی و وحدت سیاق آیات تمرکز دارند. همچنین شبهه «خلاف ظاهر بودن اطلاق جمع و اراده واحد» را مطرح می‌کنند. از جمله فخر رازی می‌نویسد: قبل و بعد این آیه در مورد یهود و نصاری و کفار است و منظور این نیست که این افراد را ائمه متصرف جان‌ها و اموال‌تان نگیرید، بلکه مراد این است که یهود و نصاری را محبّ نباشید و ولایت نهی شده در این آیات به معنای محبت و نصرت است و همچنین واژگان آیه به صورت جمع آمده و تطبیق آن بر

یک نفر خلاف ظاهر است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲: ۳۸۴). برخی نیز همانند فخررازی معتقدند، آیه ولایت با آیات قبل و بعد در یک سیاق هست و آن را قوی‌ترین دلیل برای اثبات واژه ولی به معنای محب و دوستدار در آیات مورد بحث می‌دانند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۳۵، رشیدرضا، ۱۴۲۳، ج ۶: ۳۷۹).

در نقد دیدگاه‌های اهل سنت باید گفت، جهت تحقق سیاق معتبر وجود سه شرط «وحدت صدور»، «وحدت موضوع» و «عدم وجود دلیل قوی‌تر مخالف با سیاق» لازم است. در بررسی آیه ولایت می‌بینیم که آیات قبل و بعد در مورد یهود و نصاری است، نه دارای وحدت موضوعی است، نه وحدت صدور (مظفر، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۹-۷۱).

از طرف دیگر از آنجا که قاعده سیاق یک قرینه ظنی بوده و بر اساس ظهور کلام استوار است، اگر قرینه قوی‌تر نقلی (آیات و روایات صحیح) و عقلی وجود داشته باشد، بدون تردید قرینه قوی‌تر مقدم بوده و ظهوری برای سیاق باقی نمی‌گذارد (نजारزادگان، ۱۳۸۸: ۶۴). اما روایات اسباب نزول، در صورت احراز شرایط صحت می‌توان به آن‌ها استناد نمود، حتی اگر خلاف سیاق باشد؛ زیرا هرگاه روایتی به طریق تواتر نقل شده باشد یا با توجه به قرائن، قطعی الصدور باشد و دلالت آن نیز آشکار باشد، همچون آیات قرآن حجت است (مظفر، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۹-۷۱).

در روایات فراوانی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع)، "ولی" در آیات ولایت را به معنای اولی به تصرف دانسته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ذیل آیه ولایت). بدون شک این دلیل بر سیاق ترجیح دارد. در آیات قبل و بعد آیه ولایت، کلمه «اولیاء» آمده که جمع است، ولی در آیات ولایت لفظ «ولی» آمده که مفرد است و این نشان می‌دهد که این آیات با هم نازل نشده‌اند و در یک سیاق نیستند (جوادی آملی، بی‌تا: ۲۸-۲۹). درباره یکپارچه نبودن این آیات، روایات فراوانی از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است که سبب نزول این آیه داستان انفاق حضرت علی (ع) است.

ابن طاووس می‌نویسد: «با اینکه مشهور است که این آیه درباره امام علی (ع) نازل شده است، من آن را در کتاب خود نقل کرده‌ام؛ زیرا دیدم محمد بن عباس بن علی بن

مروان اطلاعاتش درباره این آیه بیش از ماست، او این روایت را از ۹۰ طریق متصل نقل می‌کند که تمام یا بیشتر این طرق از دانشمندان اهل سنت است» (سیدبن طاووس، ۱۴۲۱: ۱۹۲). بحرانی نیز نزول این آیه را در مورد امام علی (ع) از اهل سنت از ۲۴ طریق و از شیعه از ۱۹ طریق نقل می‌کند (۱۴۲۲، ج ۲: ۵-۲۲).

علمای اهل سنت نیز روایاتی که دال بر نزول آیه در شأن امام علی (ع) است را، از طرق گوناگونی نقل کردند و این روایات متواتر و صحیح الاسناد وقتی در تقابل با سیاق قرار می‌گیرند با توجه به قرینه بودن قرینه لفظی، روایات مقدم‌اند و آیه در سیاق قبل و بعد نیست و به طور مستقل دارای حجیت است. حاکم حسکانی نزول این آیه را درباره امام علی (ع) از ۲۶ طریق (۱۴۱۱، ج ۱: ۲۰۹ و ۲۴۵)؛ ابن مغازلی، از ۵ طریق (شافعی، ۱۴۱۲: ۲۶۰-۲۶۲) و جوینی در کتاب فرائد السمطین از ۵ طریق نقل می‌کند (جوینی حموی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۲۰۹-۲۴۵). طباطبایی که دقت و توجه ویژه‌ای به روایات اسباب نزول دارد، ذیل آیه ولایت، برای نشان دادن عدم وحدت سیاق و بی‌ربط بودن مضمون آیات قبل و بعد، به روایات سبب نزول استناد می‌کند و می‌نویسد: «درست است که این سوره در اواخر عمر رسول خدا (ص) در حجة الوداع نازل شده، ولی همه آیات این سوره به یک باره نازل نشده، لیکن نه تمامی آن، بلکه به طور مسلم پاره‌ای از آیات آن به شهادت مضامین آن‌ها و روایاتی که در شأن نزولشان وارد شده، قبل از حجة الوداع نازل شده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۶).

۳-۲-۴- آیه اکمال دین

﴿الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده/ ۳)

مفسران اهل سنت گزاره ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ را در سیاق و تناسب آیات قبل و بعد می‌دانند و مراد از آن را تکمیل احکام شرعی از حلال و حرام می‌دانند (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۲۳۳). دروزه، در مورد مستقل

نبودن فراز موردنظر می‌نویسد: «روایات با اینکه کلمه ﴿الْيَوْمَ﴾ را ذکر کرده‌اند، تنها به این دو بخش از آیه اشاره کرده‌اند، بدون اینکه آن‌ها را همراه با قسمت‌های قبل و بعدشان بیاورند. این در حالی است که این دو بخش، جزئی از آیه‌ای هستند که پیش از آن، آیه‌ای در مورد احکام مربوط به غذاهای حرام آمده و پس از آن، بخشی مرتبط با قسمت‌های قبلی قرار دارد. این ارتباط، چنان قوی است که اگر این دو بخش به صورت مستقل نازل شده بودند، درک هیچ حکمتی از گنجاندن آن‌ها در آیه‌ای که ابتدای آن با انتهای آن از نظر موضوعی پیوند محکمی دارد، ممکن نمی‌بود. ممکن است گفته شود که چون در روایات از "آیه" نام برده شده، منظور تمام آیه باشد و اینکه در روایات تنها به این قسمت اشاره شده است، لزوماً به معنای نزول مستقل آن نیست. این احتمال درباره آیه اول سوره، مطرح است و همچنین اینکه آیه سوم به همراه دو آیه قبلی نازل شده باشد» (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۹: ۲۶).

مفسران شیعی بدون اختلاف نظر معتقدند که این آیه جز مسئله ولایت، مسئله دیگری را برنمی‌تابد و به معترضه بودن فراز موردنظر اشاره کردند که در سیاق قبل و بعد نیست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۴۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۶۰۸؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۳۰۲ و ۳۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۶۱). طباطبایی معترضه بودن و عدم ارتباط جمله ﴿الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ﴾ با جملات قبل و بعد را متذکر می‌شود و می‌نویسد: این جمله ربطی به صدر و ذیل آیه ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ﴾ ندارد، حال چه اینکه بگوییم، آیه معترضه از همان اول نزول در وسط دو آیه جای گرفته و یا بگوییم، رسول خدا (ص) به نویسندگان وحی دستور فرموده که در آنجا جایش دهند، با اینکه نزول هر سه، پشت سر هم نبوده و یا بگوییم هنگام نزول با آن دو آیه نازل نشده و رسول خدا (ص) هم دستور نداده که در آنجا قرارش دهند، ولی نویسندگان وحی در آنجا قرارش داده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۶۷). برخی از مفسران اهل سنت نیز به معترضه بودن این فراز اشاره کرده‌اند، اما در درک دلالت آیه و حکمت این جمله معترضه دچار خطا شده‌اند.

ابن عاشور می‌نویسد: «جمله‌ای به‌عنوان معترضه بین آیه تحریم گذشته و آیه رخصت ﴿فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ﴾ بعدی قرار گرفته است؛ زیرا اتصال این آیه با فاء تفریع دلالت بر پیوستگی آن با آیه قبل دارد و چیزی که می‌تواند به این آیه متصل شود، همان عبارت ﴿حُزِمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ﴾ است. تناسب این اعتراض در این است که خداوند، پس از تحریم برخی امور که انجام آن‌ها جزئی از شرک بود، این توضیح را مطرح کرده است» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۸).

یکی از شواهد و دلایل فرازهای مستقل، وجود سبب نزول مستقل برای فرازهای قرآنی است. بسیاری از مفسران اهل سنت نیز روایاتی بیان کردند، که سبب نزول فراز موردنظر اعلان ولایت امیرالمومنین (ع) به طور خاص است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۲۱۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۵۹؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۱۹۲). بنابراین، آیه اکمال نیز در سیاق قبل و بعد نیست. به دلیل وجود روایات معتبر از سوی فریقین قرینه روایات ارجحیت دارد.

۳-۲-۵- آیه تبلیغ

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده/ ۶۷)

بسیاری از مفسران اهل سنت به رغم کثرت روایات سبب نزول ذیل آیه تبلیغ در تفسیر آن استناد به سیاق می‌کنند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲: ۴۰۱؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۹۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۳۵). فخررازی پس از ارائه احتمال‌های گوناگون در مورد نزول آیه، این قول را که آیه "تبلیغ" در مورد عیب‌جویی یهود نازل شده، می‌پذیرد و تنها دلیل خود را سیاق یا تناسب آیات قبل و بعد از این آیه می‌داند که درباره یهودیان است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۲: ۴۰۱).

دلایل اهل سنت با ضعف‌های جدی روبروست: هیچ روایتی از صحابه و تابعان این قول را تأیید نمی‌کند، تنها مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳، ج ۱: ۴۹۲) از تابعان، این قول را گفته

که استنباط خود او است، نه آنکه به روایتی از پیامبر خدا (ص) یا صحابه استناد کرده باشد (نجارزادگان، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۵۱).

از همه مهم‌تر اینکه روایات سبب نزول در مورد این آیه به قدری در منابع شیعه و سنی زیاد است که نمی‌توان آن‌ها را انکار نمود و در صورت پذیرش آن‌ها هم باید گفت که آنچه روایات شأن نزول بیان می‌کنند با اینکه گفته شود آیه ولایت و آیات قبل و بعدش در یک سیاق است، سازگار نیست (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۱۷۲؛ سیوطی، ج ۲: ۲۹۸، آلوسی ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۵۹ و ...).

۴- نتیجه‌گیری

جستار حاضر در پاسخ به پرسش‌های پژوهش به نتایج و دستاوردهای زیر دست یافته است:

- ۱- در تقابل بین سیاق و روایات معتبر اسباب نزول، قرینه لفظی (روایت) به دلیل صراحت بیشتر، بر قرینه لبی (سیاق) تقدم دارد.
- ۲- آیات فضائلی که صراحتاً به ولایت امام علی (ع) و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام اشاره دارند، مانند آیه ولایت، آیه اکمال، آیه تبلیغ و ...، در سطح تنزیلی، در سیاق قبل و بعد نیستند و روایات صحیح‌السند متواتری وجود دارد که با سیاق این آیات در تعارض هستند، بنابراین این آیات هم در سطح تنزیلی و هم تأویلی به عنوان یک فراز مستقل حساب می‌شوند.
- ۳- دسته دیگری از آیات فضایل، به طور غیرمستقیم به فضایل اهل بیت (ع) اشاره دارند، مانند آیه اهل ذکر، آیه صادقین، آیه ۷۹ سوره واقعه و ... در تفسیر این آیات در سطح تنزیلی روایات سبب نزول و سیاق با هم تعامل و همخوانی دارند؛ اما در تأویل روایات سبب نزول و سیاق در تعارض هستند و تقابل دارند. این دسته از آیات در سطح تأویلی به طور مستقل حجیت دارند و به عنوان یک فراز مستقل محسوب می‌شوند.

۴- مفسران فریقین در تفسیر آیات فضایل رویکرد متفاوتی دارند، مفسران اهل سنت تمام آیات فضایل را در سیاق قبل و بعد می‌دانند و سیاق را بر روایات سبب نزول مقدم می‌دانند، لکن مفسران شیعی ذیل آیات فضایل در برخورد با آیاتی که به طور خاص به ولایت و فضایل امام علی (ع) و دیگر اهل بیت (ع) اشاره دارند، آیات را در سیاق قبل و بعد ندانسته، و با توجه روایات سبب نزول متواتر و صحیح السند، آیات را به طور خاص در مورد اهل بیت (ع) تفسیر می‌کنند، اما آیاتی که به طور غیرمستقیم به فضایل اشاره دارند را، در سطح تنزیلی در سیاق قبل و بعد تفسیر می‌کنند. در سطح تنزیل ممکن است شامل دیگران شود؛ اما در سطح تأویلی مصداق انحصاری، اتم و اکمل این آیات معصومان علیهم‌السلام هستند و روایات سبب نزول بر سیاق را مقدم می‌دانند.

۴- پی‌نوشت‌ها

[۱]. از سدی است که می‌گوید پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه وآله وسلم) از در خاصی وارد شد در حالی که مُحَرَّم بود و مردی از اهل حجاز همراه او بود. آن مرد ایستاد و گفت: من "احمَس" هستم (که به معنای متعصب در رعایت بعضی احکام دینی یا آداب سنتی است). پیامبر (علیه‌الصلاة والسلام) به او گفت: «و من هم اَحْمَسُ هستم.» سپس آن آیه نازل شد. این روایت نشان می‌دهد که پیامبر به وضوح ابطال ورود به خانه‌ها از پشت را اعلام کرد.

۵- منابع

*قرآن کریم

- ۱- آلوسی، محمودبن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، (۱۴۱۵ق).
- ۲- ابن مغازلی، علی بن محمد شافعی، مناقب الإمام علی بن ابی طالب، بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم، (۱۴۱۲ق).
- ۳- ابن اثیر، علی بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم: موسسه اسماعیلیان، (۱۳۶۴ش).

- ۴- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، (۱۴۰۴ق).
- ۵- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۶- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، قم، بیدار (۱۳۶۹ق).
- ۷- ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، قم، انتشارات دلیل، (۱۴۲۱ق).
- ۸- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۹- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۲۲ق).
- ۱۰- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۱۹ق).
- ۱۱- ابوالسعود، محمد بن محمد، ارشاد العقل السلیم الی مزايا القرآن الکریم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۹۸۳م).
- ۱۲- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، (۱۴۰۸ق).
- ۱۳- ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۱۴- احمدی، محمد حسن، «تحلیلی بر تفسیر آیات تاریخی با تأکید بر قاعده العبره»، مطالعات تفسیری، دوره ۵، ش ۱۹، ص ۱۲۷-۱۴۰، (۱۳۹۳ش).
- ۱۵- استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، (۱۴۰۹ق).
- ۱۶- اسعدی، محمد، لایهها و سایههای معنایی، قم: بوستان کتاب، (۱۳۸۶ش).
- ۱۷- اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، (۱۳۷۳ش).
- ۱۸- بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، (۱۳۸۷ش).
- ۱۹- البحرانی، سید هاشم، غایة المرام وحجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۲۰- بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۲۱- بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: وجدانی، (بی تا).

- ۲۲- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزيل و أسرار التأويل* (تفسير البيضاوي)، بيروت: دار إحياء التراث العربي، (۱۴۱۸ق).
- ۲۳- ثعالبي، عبدالرحمان بن محمد، *تفسير الثعالبي المسمى بالجواهر الحسان في تفسير القرآن*، بيروت: دار إحياء التراث العربي، (۱۴۱۸ق).
- ۲۴- ثعلبي، احمد بن محمد، *الكشف و البيان المعروف تفسير الثعلبي*، بيروت: دار إحياء التراث العربي، (۱۴۲۲ق).
- ۲۵- جوادی املی، عبدالله، *تفسير تسنيم*، چاپ پنجم، قم: اسراء، (۱۳۸۴ش).
- ۲۶- جوادی آملی، ولایت علوی، قم: نشر اسراء، (بی تا).
- ۲۷- جوبینی الحموی، ابراهیم بن محمد، *فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البنول و الأئمة من ذریتهم*، بيروت: مؤسسة محمودی، (۱۹۸۰م).
- ۲۸- حجازي، محمد محمود، *التفسير الواضح*، بيروت: دار الجیل، (۱۴۱۳ق).
- ۲۹- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر، (۱۴۱۱ق).
- ۳۰- حسینی زبیدی، محمدمرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بيروت: دارالفکر، (۱۴۱۴ق).
- ۳۱- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، *تفسير روح البيان*، بيروت: دار الفکر، (بی تا).
- ۳۲- حوی، سعید، *الاساس في التفسير*، مصر: دار السلام، (۱۴۲۴ق).
- ۳۳- دروزه، محمد عزه، *التفسير الحديث*، بيروت: دار الغرب الإسلامي، (۱۴۲۱ق).
- ۳۴- رازی، محمد بن عمر، *التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)*، بيروت: دار إحياء التراث العربي، (۱۴۲۰ق).
- ۳۵- راد علی، غلامعلی تبار، فضل الله، *نقد رویکردهای معناشناسی واژه «مَسَّ» در آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»*، آموزه های قرآنی، شماره ۱۸، پاییز، (۱۳۹۲ش).
- ۳۶- ربانی، محمدحسن، *نقش سیاق در تفسیر*، پژوهش های قرآنی، شماره ۲۷، ۲۸، (۱۳۸۰ش).
- ۳۷- رشید رضا، محمد، *تفسير القرآن الحكيم الشهير بتفسير المنار*، لبنان: دار المعرفة، (۱۴۱۴ق).
- ۳۸- زحیلی، وهبه، *التفسير الوسيط (زحيلي)*، سوريه، دار الفکر، (۱۴۲۲ق).
- ۳۹- زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان في علوم القرآن*، بيروت: دارالمعرفة، الطبعة الثانية، (۱۴۱۵ق).
- ۴۰- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل*، بيروت: دار الكتاب العربي، (۱۴۰۷ق).

- ۴۱- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، (۱۴۰۴ق).
- ۴۲- شوکانی، محمد، فتح القادیر، سوریه: دار ابن کثیر، (۱۴۱۴ق).
- ۴۳- صدر، سیدمحمدباقر، دروس فی علم الاصول، قم: مجمع اندیشه اسلامی، (۱۴۲۳ق).
- ۴۴- صدیق حسن خان، محمدصدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۰ق).
- ۴۵- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۰ق).
- ۴۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۴۷- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة، (۱۴۱۲ق).
- ۴۸- طنطاوی، محمدسید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، مصر: نهضة مصر، (۱۹۹۷م).
- ۴۹- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، لبنان: دار إحياء التراث العربی، (بی تا).
- ۵۰- طوفی، سلیمان بن عبدالقوی، الإشارات الالهیه الی المباحث الاصولیه، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۲۶ق).
- ۵۱- عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، (۱۴۱۵ق).
- ۵۲- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، (۱۳۸۰ق).
- ۵۳- فیاض، محمد اسحاق، محاضرات فی أصول الفقه، بی جا: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی قدس سره، (۱۴۳۰ق).
- ۵۴- فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر، چاپ دوم، (۱۴۱۹ق).
- ۵۵- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، (۱۴۱۵ق).
- ۵۶- قاسمی، جمال الدین، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۱۸ق).
- ۵۷- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، (۱۴۱۲ق).
- ۵۸- -----، احسن الحدیث، قم: نشر نوید اسلام، (۱۳۹۱ش).

- ۵۹- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۶۴ش).
- ۶۰- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، لبنان، دارالشروق، (۱۴۲۵ق).
- ۶۱- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ش).
- ۶۲- کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، (۱۴۱۰ق).
- ۶۳- ماوردی، علی بن محمد، *النکت و العیون تفسیر الماوردی*، لبنان، دار الکتب العلمیة، (بی تا).
- ۶۴- محمدزاده، عاطفه، *کاربرد قاعده تفسیری «حجّت مفاد جملات مستقل آیات» با تأکید بر تفسیر «المیزان» و «التحریر و التنویر»*؛ دانشگاه تهران، دانشکده‌گان فارابی، دانشکده الهیات، (۱۳۹۹ش).
- ۶۵- مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۳ق).
- ۶۶- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، (۱۳۷۱ش).
- ۶۷- مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، چاپ سوم، قم: اسماعیلیان، (۱۴۱۰ق).
- ۶۸- میدانی، عبدالرحمان حسن حبّنه، *معارج التفکر و دقائق التدبیر*، دمشق: دار القلم، (۱۳۶۱ش).
- ۶۹- معرفت، محمدهادی، *التمهید فی علوم القرآن*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، (۱۴۳۲ق).
- ۷۰- نجارزادگان، فتح الله، *بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۸ش).
- ۷۱- نسفی، عبدالله بن احمد، *تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل*، لبنان: دار النفائس، (۱۴۱۶ق).
- ۷۲- نظام الاعرج، حسن بن محمد، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، لبنان: دار الکتب العلمیة، (۱۴۱۶ق).
- ۷۳- نهاوندی، محمد، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، (۱۳۸۶ش).
- ۷۴- واحدی، علی بن احمد، *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره: احیاء التراث الاسلامی، (۱۴۱۶ق).
- ۷۵- واحدی، علی بن احمد، *اسباب النزول*، بیروت، دار الکتب العلمیة، اول، (۱۴۱۱ق).